

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

شانه بر زلف سیاست

ای که با مکر ، گپ از وحدتِ انسان داری
در خفا بس عملی ، بدتر از حیوان داری
نوکر و چاکر هر خائن غدار پلید
چهره اصلی خود ، از همه پنهان داری
گه جمبوری و جادوگر و گه ، شعبده باز
گهی چون کیسه کشان ، چاپی ایشان داری
دهن بوجی تزویر ، گرفته به دو دست
سر تقسیم ، کلاه ، بر سر بُرهان داری
ای سیه چُرده ، قانغوزک پندیده ، چرا؟
شکوه از طائفه خویش ، فراوان داری
سالها ، اُمتِ گلبته و برهان بودی
حال ، بر صورتِ شان ، تاپه کفران داری
صاحب خانه و سرمایه شدی ، از بُرهان

نمکش خورده حرام ، ثُف به نمکدان داری
 می شناسند همه ، جوهر ایمان ترا
 که به (قانونی) و (برهان) و (فهم) جان داری
 دیده بودم به عزاداری مسعود ، ترا
 بوسه ها بر در هر رهبر شیطان داری
 زانکه بر میز شرافت شده جالس بر صدر
 تلفونی سخن و حرف به (پروان) داری
 یاد دارم که ، گریبان و گهی دامن را
 پاره و چیره ، به فرمان قوماندان داری
 شانه بر زلف سیاست زده باریب و ریا
 پنجه بر ریش بُزش ، نرم دلنگان داری
 تا که بر منصب عالی و مقامی بررسی
 سجده بر درگاه هر منکر قرآن داری
 یا که با چهره منحوس ، به هر تلویزیون
 طلب شهرت از هر بی سر و سامان داری
 لقب محترم اُستاد ، به حاجی دغل
 نان و حلواست ، که خیرات گدایان داری
 خودفروشی چقدر ، دیده درائی به چه حد؟
 که ز سرگین ، طمع لؤلؤ و مرجان داری
 حیثیت حفظ کن و ، آب رخ خویش مریز
 ورنه از نقد منت ، پاره گریبان داری
 تو که زائیده جنگی و ، سیاست بازی
 تهمت خشم ، به شیر و گهی پستان داری

ما ز شومی ـ پلانت ، به خدا آگاهیم
چشم ، بر بیوه زن و ، مال یتیمان داری
نیش پر زهر ـ تو بر بانوی فرزانه چرا؟
اگر ت یک سر ـ مو ، غیرت افغان داری
نسبت تلخی و تندى ، به نمک نیست ، روا
مرچ ـ بی پیر ، میان لب و دندان داری
گر بیائی به صف ـ ملی گرایان ـ وطن
جوهر و اصلیت ـ خویش ، نمایان داری
ورنه چون خائن و غدار بیائی به ردیف
ننگ ـ تاریخ شده شرم ، به هر آن داری
نمکین و شکرین است و ، چشیدن دارد
«نعمتا»! لحظه ای گر خامه به جولان داری
